

گزارش



ژاپن، پیشگام حمایت‌های اقتصادی از فرزندآوری

بسیاری از متخصصان، عامل اقتصادی را موضوع مهم و کلیدی مسأله فرزندآوری می‌دانند. آنان نظریه عرضه و تقاضا و رفتار باروری انسان‌ها را حاصل یک نوع محاسبه هزینه‌ها و منافع ناشی از فرزندآوری می‌دانند. بر اساس این نظریه، در جامعه‌ای که مرگومیر کودکان زیاد است طبعاً عرضه فرزندان به جامعه کاهش یافته و تقاضای اجتماعی برای فرزندآوری بالا رفته و در نتیجه، تمایل به فرزندآوری و به دنبال آن نرخ باروری افزایش می‌یابد. اما زمانی که ضرب بقاء و زنده ماندن کودکان افزایش یابد یا اینکه به واسطه شرایط اقتصادی جامعه، هزینه‌های مالی و اجتماعی تولید و پرورش فرزند افزایش یابد و عرضه کودکان به جامعه بیش از تقاضا باشد، تمایل به فرزندآوری کاهش یافته و افراد با استفاده از روش‌های تنظیم خانواده سعی در کنترل باروری و بازگرداندن تعادل ولادت‌ها و مرگ‌ها در جامعه کنند.

اما زن و شوهرها هنگام تصمیم‌گیری برای فرزندآوری معمولاً هم کیفیت و هم کمیت فرزندان خود را در نظر گرفته و سپس تصمیم خود را عملی می‌کنند. غالباً خانواده‌های کم‌درآمد، حداقل ملزومات و امکانات مثل غذا، پوشاک، آموزش، وسایل تفریح و سرگرمی... و طبعاً حداقل هزینه‌ها را برای کودکان خود در نظر می‌گیرند؛ لذا فرزندآوری برای آنان سخت و دشوار جلوه نمی‌کند، اما خانواده‌های سطح متوسط و بالا، غالباً هم از نظر مالی و هم به لحاظ زمانی ملزومات بیشتر و باکیفیت‌تری را برای پرورش فرزندان خود در نظر می‌گیرند و از این‌رو هزینه پرورش فرزند برای آنها بالا خواهد بود. از سوی دیگر، والدین متعلق به طبقات متوسط و بالا، با توجه به قدرت مالی خود امکان فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، تفریحی، هنری، ورزشی و آموزشی بیشتری دارند که این فعالیت‌ها به نوعی رقیب فرزندآوری و تربیت و نگهداری فرزندان است. از این‌رو، خانواده‌های این طبقات اجتماعی برای پرورش فرزندی با استانداردهای موردنظر خود غالباً تمایل به فرزندآوری کمتر و تعداد فرزندان محدودتری دارند.

باید توجه داشت اگر چه ملاحظات اقتصادی نقش مهمی در مسأله باروری دارند، اما رفتار باروری انسان‌ها همیشه تابع محاسبه هزینه و فایده فرزندآوری نیست بلکه تغییرات باروری بعضاً می‌تواند به‌خاطر نوآوری‌ها در جامعه ایجاد شوند. این نوآوری‌ها ممکن است ناشی از فناوری باشد، مانند فناوری‌های جدید، رسانه‌های نوین، هوش مصنوعی و غیره و یا فرهنگی باشند، مانند ایده‌های جدید، هنجارهای تازه، سبک‌های زندگی جدید، نگرش‌های خلاقانه و... که هر کدام با مکانیزم‌های خاص خود اثراتی بر جامعه بر جای گذارند.

جامعه ژاپن از جمله جوامعی است که همه این مسائل، از بحران اقتصادی تا پیشرفت‌های فناوری و تغییر در سبک زندگی را در بالاترین حد خود تجربه کرده است. قبل از دهه ۱۹۹۰، سیاست خانواده در ژاپن بر این فرض استوار بود که مردان نان آور خانواده هستند؛ لذا این سیاست بر دستیابی به ساختارهای خانوادگی پایدار متمرکز بود که بر اشتغال تمام‌وقت مردان تأکید می‌کرد. اما زمانی که مشکلات اقتصادی در این کشور بالا گرفت و به دنبال آن نرخ باروری نیز کاهش یافت، دولت این کشور ناچار بود تا سیاست‌های مربوط به خانواده خود را تغییر دهد. به همین خاطر سیاست‌های اجتماعی برای رسیدگی به مسئولیت مراقبت، مزایای کودک، رفاه خانواده‌های دارای فرزند و مراقبت از کودکان گسترش یافت.

در سال‌های اخیر هم نگرانی‌های عمده‌ای در مورد نرخ باروری و خدمات مراقبت از کودکان از سوی مردم و دولت ژاپن به وجود آمده است. بر اساس این نگرانی‌ها، اصلاحات بی‌درپی در سیستم کمک‌هزینه کودکان انجام شده است. برنامه‌های کمک‌هزینه کودک توسط دولت ژاپن لزوماً برای کاهش فقر کودکان نیست بلکه سیستم کمک‌هزینه کودک عمدتاً بر افزایش نرخ باروری ملی و توسعه اقتصادی متمرکز است. قانون مزایای کودک که در سال ۱۹۷۲ در ژاپن به اجرا درآمد، در ابتدا مبتنی بر درآمد بود و گروه‌های کم‌درآمد در ژاپن را هدف قرار می‌داد. این قانون با پرداخت ۳ هزار یین به عنوان کمک هزینه به خانواده‌ها آغاز شد.

تغییری که ۱۰ سال زودتر از پیش‌بینی‌ها رخ داد

اولین کاهش جمعیت چین پس از ۶ دهه



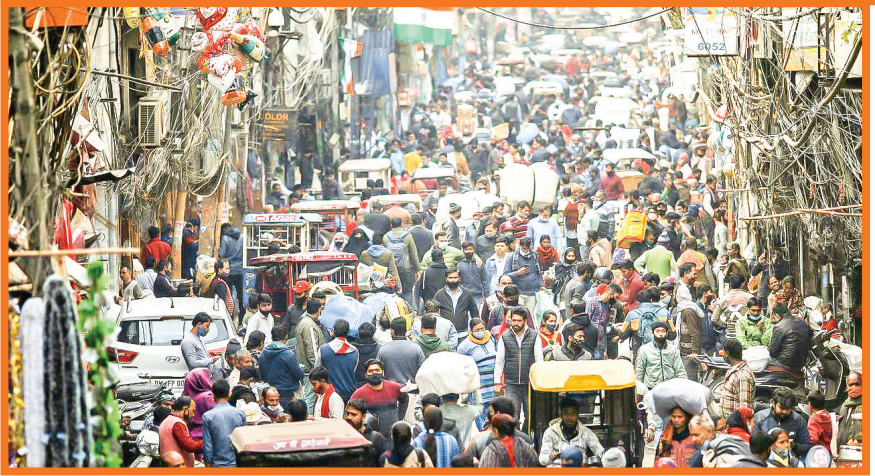
در چین برترین موضوع در رسانه‌های اجتماعی چین بوده است. به طور مثال هشتگ «آیا واقعاً داشتن فرزند مهم است؟» تنها در چند روز صدها میلیون بازدید داشته است.

برخی کارشناسان بر این باورند همه‌گیری کرونا همچنین بر نرخ باروری چین فشار وارد کرده است. پس از گزارش کووید-۱۹ برای اولین بار در وهان چین، قرنطینه‌های شدیدی در این کشور اعمال شد که باعث مشکلات اقتصادی گسترده و انزوای اجتماعی این کشور شده است. کرونا به‌ویژه در چین به عنوان دومین اقتصاد بزرگ جهان، تأثیرات مخربی داشته است و مردم برای روزها یا حتی هفته‌ها در خانه‌های خود محبوس بودند. همه این موارد در کنار هم باعث شد دولت چین با ناامنی‌های اقتصادی ناشی از همه‌گیری کرونا دست‌وپنجه نرم کند. همچنین ثبات اقتصادی خود را تا جای ممکن مدیریت کند. این کشور مجبور است خدمات بیشتری به جمعیت سالخورده خود ارائه دهد و حمایت‌های بیشتری از کارگران که بخش عظیمی از جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند، به عمل آورد.

انقباض استراتژیک قرار گیرد و سیاست‌های اجتماعی، اقتصادی، دفاعی و خارجی خود را تعدیل کند. بر اساس ارزیابی‌ها، چین احتمالاً روابط خود با غرب را نیز بهبود خواهد بخشید.

تأثیر سیاست تک‌فرزندی

بیشتر رکود جمعیتی کشور چین نتیجه سیاست تک‌فرزندی چین است که بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۵ به مردم این کشور تحمیل شد. همچنین هزینه‌های بالای تحصیلی و پرورش کودک، بسیاری از چینی‌ها را از داشتن بیش از یک فرزند یا حتی داشتن یک فرزند نیز محروم کرده است. سیاست تک‌فرزندی و ترجیح سنتی برای پسران نیز عدم تعادل جنسیتی عمیقی در چین ایجاد کرده است. آخرین داده‌ها نشان می‌دهد چین با حدود ۷۲۲ میلیون مرد در مقایسه با ۶۹۰ میلیون زن، عدم تعادل جنسیتی را تجربه می‌کند. این موضوع در مناطق روستایی بیشتر خود را نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر منجر به تشکیل خانواده‌های کمتری شده است. پس از انتشار این ارقام، این داده‌های نگران‌کننده



و از سال ۲۰۱۹، به طور کامل با کمبود آب مواجه بوده است. طبق پیش‌بینی‌ها، شهرنشینی تغییرات مهمی را در این کشور در دهه‌های آینده ایجاد خواهد کرد و کیفیت زندگی در شهرهای هند به سرعت رو به وخامت می‌رود.

آینده هند

به‌رغم افزایش مداوم جمعیت در شمال هند طی چند سال آینده، مسیر کلی هند کاهش باروری و در نهایت ثبات جمعیت است. با این حال، اینکه باروری تا کجا کاهش خواهد یافت، هنوز مورد بحث است. بر خلاف غرب، کاهش نرخ باروری در هند تاکنون با تغییر در ساختار خانواده یا الگوهای ازدواج هم‌زمان نبوده است. به طور مثال انتظارات مادری زنان هندی عمدتاً بدون تغییر باقی مانده و اکثریت هنوز در اوایل ۲۰ سالگی ازدواج می‌کنند، در حالی که نسبتاً جوان هستند، دو فرزند دارند و سپس با انتخاب عقیم‌سازی، فرزندآوری آنها متوقف می‌شود. آمار نشان می‌دهد فرزندان بسیار کمتری در روستا متولد می‌شوند و حدود ۶۰ درصد خانواده‌ها از تنظیم خانواده استفاده می‌کنند. بسیاری این تغییر را در افزایش آگاهی زنان نسبت به وضعیت خود و همچنین افزایش تحصیلات آنها می‌دانند.

کشور چین امسال برای اولین بار رشد منفی جمعیت را تجربه کرد که یک رکورد تاریخی در جمعیت این کشور در ۶۰ سال اخیر محسوب می‌شود. اداره ملی آمار چین اعلام کرد که این کشور در پایان سال ۲۰۲۲ دارای یک میلیارد و ۴۱۱ میلیون و ۷۵۰ هزار نفر جمعیت در مقایسه با یک میلیارد و ۴۱۲ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر در سال پیش از آن بوده که این موضوع کاهش ۸۵۰ هزار نفری را نشان می‌دهد. به‌رغم تلاش‌های عمده دولت برای معکوس کردن این روند، این کاهش جمعیت آغاز دوره طولانی از کاهش جمعیت در بزرگترین کشور آسیا خواهد بود. آمارهای کنگره ملی خلق چین نشان می‌دهد جمعیت این کشور در سال ۲۰۲۲ بسیار زودتر از حد انتظار به رقم فعلی رسیده، در حالی که پیش‌بینی‌ها نشان می‌داد این کشور به احتمال زیاد در اواخر سال ۲۰۲۳ این کاهش جمعیت را تجربه خواهد کرد.

گزارش



حسن سرایی‌نیا

روزنامه‌نگار

دولت چین در چندین سال گذشته در تلاش بود تا مردم را به داشتن فرزندان بیشتر تشویق و از بحران جمعیتی در حال وقوع ناشی از پیری جمعیت جلوگیری کند. همچنین سیاست‌های جدید این کشور به دنبال کاهش بار مالی و اجتماعی بزرگ کردن کودکان برای خانواده‌ها، تشویق به فرزندآوری از طریق یارانه‌ها و معافیت‌های مالیاتی بوده‌اند؛ تا جایی که برخی استان‌ها یا شهرستان‌ها پرداخت نقدی به والدینی که فرزند دوم یا سوم دارند را نیز در برنامه کاری خود قرار داده‌اند. این مشوق‌های مالی در مجموع تا ۳۷ هزار و ۵۰۰ یوان (۲۴۰ میلیون تومان) برای یک خانواده دارای سه فرزند نیز می‌رسد. دولت‌های محلی از سال ۲۰۲۱ اقداماتی را برای تشویق مردم به بچه‌دار شدن انجام داده‌اند، از جمله کسر مالیات، مرخصی زایمان طولانی‌تر و یارانه مسکن. علاوه بر این، رئیس‌جمهوری این کشور نیز اعلام کرد این حمایت‌ها در سال آینده نیز بیشتر خواهد شد.

مقاومت برای فرزندآوری

دهه‌ها سیاست تک‌فرزندی در چین که افراد را ترغیب به داشتن تنها یک فرزند می‌کرد و همچنین هزینه‌های فزاینده زندگی مدرن، باعث افزایش مقاومت زوجین برای فرزندآوری شده است. بنا بر آمار نرخ زادوولد در سال گذشته ۶،۷۷ تولد به ازای هر هزار نفر بود که نسبت به نرخ ۷،۵۲ تولد در سال ۲۰۲۱ کاهش معناداری را نشان می‌دهد و در نهایت پایین‌ترین نرخ زادوولد را در چین به ثبت رساند. با وجود این، آمارها همچنان نشان می‌دهد

جمعیت هندوستان به زودی چین را پشت سر خواهد گذاشت

گزارش

داستان نرخ رشد جمعیت هند دو مسیر متفاوت را طی می‌کند؛ شمال هند که تنها توسط دو ایالت رهبری می‌شود و جمعیت آن همچنان در حال افزایش است و جنوب و ترمند نشین که تعداد جمعیت در حال تثبیت و حتی در برخی مناطق رو به کاهش است. شکاف عمیق بین این مناطق به این معاست که دولت این کشور باید در نهایت با یک مشکل منحصر به فرد دست‌وپنجه نرم کند؛ عواقب تولد کودکان از یک‌سو و پیر شدن جمعیت از سوی دیگر.

کاهش فرزندآوری استفاده کرد. این سیاست‌ها بیشتر متمرکز بر خانواده‌هایی بود که از پس‌زمینه‌های فقیرتر و به حاشیه‌رانده‌تر برخوردار بودند و تمایل دارند بیشترین فرزندان را داشته باشند. در نتیجه این اقدامات، نرخ باروری هند سریع‌تر از آنچه در سناریوهای «انفجار» پیش‌بینی شده بود، رو به کاهش نهاد. به طور مثال در دهه ۱۹۵۰، یک زن در هند به طور متوسط بیش از شش فرزند به دنیا می‌آورد، اما امروز میانگین ملی کمی بیش از دو فرزند است و آمارها همچنان به کاهش خود نیز ادامه می‌دهند.

با وجود این، محدودیت‌های رشد جمعیت در سراسر هند یکسان نبوده و شکاف ریشه‌دار شمال-جنوب هند به طور قابل‌توجهی در پارامترهای جمعیت‌شناسی با پیامدهای اجتماعی و سیاسی مداوم ظاهر شده است. در دهه آینده، یک‌سوم افزایش جمعیت هند تنها از دو ایالت شمالی بهار و اوتار برادش خواهد بود. بهار، تنها ایالت هند است که زنان همچنان بیش از سه فرزند دارند و انتظار نمی‌رود تا سال ۲۰۳۹ به ثبات جمعیت دست یابد. این وضعیت را مقایسه کنید با ایالت کرالا در جنوب هند که تحصیل‌کرده‌ترین و مترقی‌ترین ایالت هند است و در سال ۱۹۹۸ به ثبات جمعیت دست یافت.

شهرهای هند و جمعیت

اگرچه ترس از «مب جمعیتی» هند کاهش یافته، اما شهرهای هند همچنان زیر فشار زیاد جمعیتی هستند.

هند در حال حاضر، بیش از ۱،۳۹ میلیارد نفر جمعیت دارد که چهار برابر ایالات متحده و بیش از ۲۰ برابر بریتانیا است. علاوه بر این، هند در نرخ تولد کودکان نیز پیش‌تاز است و از چین نیز جلو زده است. در سال گذشته، هند عدد ۸۶ هزار تولد نوزاد در روز را ثبت کرد، در حالی که این میزان در چین ۴۹ هزار و ۴۰۰ بود. پیش‌بینی می‌شود هند تا سال ۲۰۶۰ بیش از ۱،۶۵ میلیارد نفر جمعیت داشته باشد. همچنین پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۵۰ بیش از نیمی از افزایش نرخ رشد جهانی فقط در هشت کشور دنیا؛ یعنی جمهوری دموکراتیک کنگو، مصر، اتیوپی، نیجریه، پاکستان، فیلیپین، جمهوری متحد تانزانیا و هند رخ دهد.

این رشد جمعیت، فشار زیادی بر منابع، ثبات اقتصادی و جامعه هند وارد خواهد کرد. البته عواقب آن بسیار فراتر از مرزهای هند است. هند به عنوان کشوری که در خط مقدم بحران آب‌وهوا قرار دارد، در حال حاضر ۸۰ درصد از سال با رویدادهای شدید آب‌وهوایی دست‌وپنجه نرم می‌کند و کاهش منابعی مانند آب می‌تواند به عوامل تعیین‌کننده در جمعیت آینده هند تبدیل شود.

یک کشور، دو داستان

پس از استقلال هند، جمعیت این کشور با سرعت قابل توجهی افزایش یافت و بین سال‌های ۱۹۴۷ تا ۱۹۹۷ از ۳۵۰ میلیون به یک میلیارد نفر رسید. اما از دهه ۱۹۸۰، ابتکارات مختلفی برای متقاعد کردن خانواده‌ها برای